



## تفسیر قرآن آیت الله قرهی؛ اگر می‌خواهید از شیطان در امان باشید، قرآن بخوانید/ راه درک قرآن

آیت الله قرهی گفت: می‌خواهید گرفتار نشوید و شیطان شما را فریب ندهد، ببینید قرآن چه می‌گوید. راه‌های نجات در قرآن است.

آیت الله قرهی گفت: می‌خواهید گرفتار نشوید و شیطان شما را فریب ندهد، ببینید قرآن چه می‌گوید. راه‌های نجات در قرآن است.

به گزارش خبرگزاری مهر، متن جلسه اخیر تفسیر قرآن آیت الله قرهی را در ادامه می‌خوانید؛

قال رسول الله (صلی الله علیه و آله و سلم): «إِنْ أُرَدِّتُمْ عَيْشَ السُّعْدَاءِ وَ مَوْتَ الشُّهَدَاءِ وَ التَّجَاةَ يَوْمَ الْحَسْرَةِ وَ الظِّلَّ يَوْمَ الْحَرُورِ وَ الْهُدَى يَوْمَ الضَّلَالَةِ فَادْرُسُوا الْقُرْآنَ فَإِنَّهُ كَلَامُ الرَّحْمَنِ وَ حَرِّزٌ مِنَ الشَّيْطَانِ وَ رُجْحَانٌ فِي الْمِيزَانِ».

در ابتدا می‌خواهیم بیان کنیم تفسیر چیست و چه فرقی با ترجمان دارد؟ مطلب دیگر این که قرآن بما هو قرآن، هم از دیدگاه خود قرآن چیست و هم از دیدگاه دیگران؟

تبرکاً و تیمناً این روایت شریف را بیان کنیم که پیامبر عظیم‌الشأن (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمودند: اگر شما زندگی سعادتمندان عالم و مرگ شهدا را می‌خواهید ... چه کسی از این‌ها بدش می‌آید؟! خداوند به حبیبش هم فرمود: «إِنَّكَ مَيِّتٌ وَ إِيَّاهُمْ مَيِّتُونَ» حبیب من! تو می‌میری، آن‌ها هم می‌میرند. اما بالاترین مرگ، شهدا در راه خداست.

یادم نمی‌رود، بعد از شهادت شهید مطهری (اعلی الله مقامه الشریف)، خدمت علامه طباطبایی (اعلی الله مقامه الشریف) رسیدیم، فرمودند: ایشان هم مداد العلماء بود و هم دماء الشهداء. اگر این‌طور باشد و انسان هر دو را داشته باشد، نور علی نور می‌شود.

پیامبر عظیم‌الشأن فرمودند: اگر می‌خواهید زندگی‌تان، زندگی سعادتمندان عالم باشد و مرگتان هم مرگ شهدا باشد و روزی که همه حسرت می‌خورند، برای شما نجاتی باشد، ...

روایت داریم که حتی انبیاء هم فردای قیامت حسرت می‌خورند. البته حسرت آن‌ها تفاوت دارد. اما همه، حتی خوبان عالم هم حسرت می‌خورند و می‌گویند: ای کاش بیشتر جمع می‌کردیم، «الدنيا مزرعة الآخرة». همین که نشستید و مطالبی را که برای اولیاء خداست و از روایات شریف معصومین بیان می‌شود، گوش می‌دهید؛ زبانتان هم مشغول به ذکر صلوات بر محمد و آل محمد و دیگر اذکار مشغول باشد. ما الآن نمی‌فهمیم، مثلثان مثل ماهی درون آب است. جدی نمی‌فهمیم چه خبر است. بزرگان و آیات عظامی که از این دنیا رفتند، چه در عالم مکاشفه و چه در رؤیای صادق، بیان کردند: ای کاش می‌توانستیم در دنیا بیشتر کار می‌کردیم و بهره می‌بردیم. لذا یکی از اسامی قیامت، يوم الحسرة است، یعنی روزی که همه در آن، حسرت می‌خورند.

لذا پیامبر فرمودند: اگر نجات در آن روز حسرت و سایه و ظلی در آن روز سوزان می‌خواهید، ...

آتش سوزانی که همه از آن، وحشت دارند. وقتی از آن تشنگی و آتش سوزان صحبت می‌شود، بعضی آن را به سخره می‌گیرند، در حالی که در روایات شریفه آمده است: فردای قیامت وقتی همه‌ی مطالب تمام می‌شود و بهشتیان در بهشت می‌روند، می‌گویند: خدا نکند که به دنیا برگردیم، آن هم فقط به خاطر این صف طولانی و هراسان و سوزان روز قیامت. یعنی حتی بهشتیان هم وقتی یادشان می‌افتد، حسب روایات شریفه بدنشان می‌لرزد. با این که دیگر تمام شده و بهشتی شدند، اما وقتی یاد آن صف قیامت و گرمای سوزان که می‌افتند، وحشت می‌کنند و می‌گویند: ای کاش دیگر برنگردیم.

در ادامه فرمودند: وَ الْهُدَى يَوْمَ الضَّلَالَةِ، اگر در روز گمراهی، هدایت می‌خواهید؛ چه در این دنیا و چه فردای قیامت ...؛ چه کنیم؟

می‌فرمایند: فَادْرُسُوا الْقُرْآنَ، قرآن را یاد بگیرید. دقت کنید که نمی‌فرمایند: بخوانید، می‌فرمایند: یاد بگیرید. «فاء» در ادبیات معنای مختلفی دارد، «کلمة واحدة تدل علی معان مختلفة». مانند شیر که در فارسی خودمان چند معنا می‌دهد. یک معنای آن شیر خوردن است، یک معنا شیر آب است، یک معنا شیر درنده است. در عربی هم همین‌طور است، کلمه، سه نوع است: اسم و

فعل و حرف. این «فاء»، حرف است که هم معنای «پس» می‌دهد و هم معنای «تحقیقاً».

لذا حضرت می‌فرمایند: پس تحقیقاً قرآن را یاد بگیرید و فقط قرائت نکنید. پس به تحقیق که محقق است (فاء را بر سر این تحقیقیه آورد) این قرآن (هاء ضمیر است و به قرآن برمی‌گردد)، اولاً کلام حضرت ذوالجلال و الاکرام، خدای رحمان است. دیگر این که سپر در مقابل شیطان است.

می‌خواهید گرفتار نشوید و شیطان شما را فریب ندهد، ببینید قرآن چه می‌گوید. راه‌های نجات در قرآن است. این شاءالله در جلسات آینده بیان می‌کنم که روایت داریم همه‌ی علوم در قرآن است.

لذا می‌فرمایند: اگر می‌خواهید از شیطانی که قسم خورده همه را به اغوا بکشاند، در امان باشید؛ قرآن را یاد بگیرید. شیطان گفته: «فبعزتک لاغویهم اجمعین». ای خدا! به عزت قسم همه را به اغوا می‌کشم. پس ما باید بترسیم. همان شیطانی که پروردگار عالم برای این که اهمیت فریب او را برای انسان‌ها بیان کند، فرمود: عدوی و عدوکم. دشمن من و دشمن شما. شیطان، نمی‌تواند دشمن خدا شود. در مثال مناقشه نیست، ولی کجا مورچه‌ای می‌تواند در مقابل یک قدرت بزرگ عرض اندام کند. اما پروردگار عالم از باب اهمیت مطلب این‌گونه می‌فرماید تا انسان‌ها مراقب باشند؛ چون شیطان عزم کرده که انسان‌ها را فریب دهد.

برای همین است که فرمودند: ده مرتبه قبل از طلوع و غروب آفتاب، بگویید: «اعوذبالله السميع العليم من همزات الشیاطین و اعوذبالله أن یحضرین الله هو السميع العليم». آن آیت حق، شیخ عباس قمی نیز این را در مفاتیح آوردند. یعنی پناه می‌برم به خدا از همزات شیاطین که در مجلسان حاضر می‌شوند. همزات یعنی جنگ‌های نرم. یعنی شیاطین آن قدر نرم می‌آیند انسان را فریب می‌دهند که باعث تعجب است. گاهی مؤمن و به ظاهر نمازخوان هم هست، اما در خانه، اخلاق ندارد! نعوذبالله به ظاهر مؤمن است، اما حسود می‌شود! این‌ها، همان همزات شیاطین است که برای هر کسی یک طور می‌آید، مال، شهوت جنسی، شهوت قدرت، سواد (ظاهر علم و خواندن سیاهی‌ها) و ... در انتها هم می‌گوییم: خدا هم سمیع است و هم علیم، یعنی شیطان این قدر نرم می‌آید و ما را فریب می‌دهد که ما متوجه نمی‌شویم، اما خدا شنوا و داناست.

لذا فرمودند: اگر می‌خواهید در برابر این شیطان ملعون و رجیم، حرز داشته باشید؛ باید به سراغ بیایید و آن را یاد بگیرید، نه این که فقط آن را قرائت کنید.

در ادامه مطلب بالاتری می‌فرمایند، می‌فرمایند: وَ رُجْحَانُ فِی الْمِيزَانِ، سنگینی در ترازوی فردای قیامت. البته رجحان، مافوق سنگینی است. رجحان یعنی دلایل و براهینی که تمام آن‌ها در دست شماست و چون فردای قیامت براساس آن، حرکت کردید و تمام مطالبتان، مطالب قرآنی است، در جواب سؤال کنندگان، سربلند خواهید بود.

یک مورد سؤال کردن، در قبر است (إسمع إفهم، یا فلان ابن فلان، إذا أتاک المملکان المقرّبان ...، در آن‌جا دیگر تمام القاب کنار می‌رود و فقط اسم کوچک و اسم پدر بیان می‌شود) و یکی هم فردای قیامت است که می‌فرمایند: اگر می‌خواهید هر سؤالی که از شما شد، بتوانید جواب بدهید و رجحان و دلیل و برهان داشته باشید، بدانید که راه، یادگیری قرآن است.

پس عزیزان! یادگیری قرآن بسیار مهم است. بنده یک موقع در شورای مدیریت حوزه‌های علمیّه بیان کردم: این که می‌فرمایید تفسیر قرآن از دروس جنبی است، آیا به قرآن ظلم نکردیم؟! این از دروس اصلی است. درست است که ادبیات مورد تأکید خود بنده هم هست و باید در آن قوی بود، منطق و اصول و فقه و کلام خوب است، اما قرآن، اصل است و همه برای این است که ما به نص که قرآن و روایات شریفه هست پناه ببریم.

لذا قرآن، اصل است و اگر ما قرآن را ندانیم، گرفتار می‌شویم.

بی‌ادبی در محضر قرآن و محرومیت از فیوضات الهی

ما در ابتدا می‌خواهیم بدانیم اهمیت قرآن چیست، چه درّی در کنار ماست که ما از آن، غافل هستیم. ملا محسن فیض کاشانی (اعلی الله مقامه الشریف) بیان می‌فرماید: می‌دانید چرا می‌گویند بدون وضو (طهارت) دست به آیات قرآن نزنید؟ اگر بدانیم و درک کنیم که آن چیزی که عامل هدایت ماست، آن کنز بزرگ و گنج الهی در نزد ما هست؛ واقعاً می‌فهمیم که همیشه باید آن را بالا و بالا بگیریم.

آیت‌الله مولوی قندهاری (اعلی الله مقامه الشریف) می‌فرمودند: آیت‌الله سید ابوالحسن اصفهانی وقتی می‌خواستند قرآن

بخوانند، دو دستی آن را می‌گرفتند و بالا می‌آوردند. ما فکر می‌کردیم شاید می‌ترسند اگر یک دستی بگیرند، بیافتد. اما یک بار دیدیم که آقا قرآن در دست دارند و اشکشان جاری شد، یک دستی قرآن را گرفتند، دستمال برداشتند و اشک خود را پاک کردند. دیدیم وقتی یک دستی می‌گیرند هم دستشان نمی‌لرزد و بلافاصله مجدّد آن را دودستی گرفتند. یک مرتبه پرسیدم: آقا! دلیل چیست؟ فرمودند: دلیلش را می‌گویم، اما به شرطی که تا زنده هستم، نگویید. فرمودند: وقتی من تلاوت قرآن مولا، آقا و سید مان، حضرت حجّت (روحی له الفداء) را که خود حضرت، قرآن ناطق هستند، دیدم، بسیار با احترام برخورد می‌کردند.

آیت‌الله العظمی مرعشی نجفی (اعلی الله مقامه الشریف)، استاد عظیم الشانمان می‌فرمودند: کسی که کتابی را روی قرآن بگذارد، از فیوضات الهی محروم می‌شود. عزیزان! حتی عینک خود را هم روی قرآن قرار ندهید. موقعی که قرآن می‌خوانید، آن را روی زمین نگذارید.

دلیل این حرمت نگه داشتن نسبت به قرآن چیست؟ این‌ها که جوهر و اوراق است، برای چه باید این‌طور احترام بگذاریم؟ این‌ها ظواهر است و حقیقت آن چیز دیگری است. اگر این را خوب متوجّه شویم، آن موقع است که ما در مقابل قرآن بما هو قرآن؛ یعنی آنچه حقیقت قرآن است، سر فرود می‌آوریم. آن موقع است که سعی می‌کنیم به اندازه وسع خودمان نسبت به آیه آیه قرآن، عامل باشیم. قرآن فقط برای این نیست که از زیر آن رد شویم و روزی یک صفحه از آن را قرائت کنیم و ... البته این‌ها هم خیلی خوب است، اما به این اکتفا نکنیم. قرآن را باید متوجّه شویم. وقتی به تفسیر ورود پیدا کنیم، متوجّه می‌شویم که این مقدّمات چقدر کاربردی است و به درد ما می‌خورد.

اما بیان می‌شود: قرآن، کلام اعجاز خداست. اصلاً خود لفظ قرآن چیست و بعد، اعجاز بودن آن چیست؟ قرآن از دیدگاه غربی‌ها، شرقی‌ها و غیر مسلمین چیست؟ این‌ها را طیّ این جلسات بیان خواهیم کرد. بعد هم خواهیم گفت: قرآن، مطلبی به نام ترجمان دارد. اما سؤال این است که آیا کلام عرب را واقعاً می‌توان ترجمه کرد، بعضی از کلمات همان است که هست و اگر خواهیم ترجمه کنیم، در معنا ضعف به وجود می‌آید. پس باید چه کنیم؟ راه چاره چیست؟

بعد از آن، تفسیر چیست؟ چه کسی می‌تواند تفسیر بگوید و مفسّر قرآن کریم باشد؟ آیا هر کسی می‌تواند قرآن را در دست بگیرد و بگوید: من قرآن را تفسیر می‌کنم؟! انواع تفسیر چیست؟ تفسیر به رأی چیست؟

لذا اگر حلم و بردباری به خرج دهید، بحث بسیار شیرین و عالی‌ای در پیش رو داریم. در ادامه نیز از آخرین سوره‌ی قرآن، إن شاء الله تفسیر را شروع خواهیم کرد.

راهی برای ادراک قرآن

اما عزیزان، اگر می‌خواهید یک راه ادراک برای قرآن بیابید، باید بدانید بزرگان فرمودند: نزدیک‌ترین راه برای دست‌یابی به مباحث علمی قرآن، اتصال به قرآن ناطق است و این قرآن ناطق در زمان ما، مولایمان، حضرت حجّت بن الحسن المهدی (روحی له الفداء و عجل الله تعالی فرجه الشریف) است.

همان‌طور که قرآن ناطق، امیرالمؤمنین (علیه الصلوة و السلام) هستند. آن قرآنی که در زمان ایشان بر نی کردند، فکر نکنید قرآن کامل بود. در آن زمان قرآن را بر روی پوست آهو و ... می‌نوشتند. آن‌ها هم برخی از آیات را که بر پوستی نوشته شده بود، بر نی کردند. اما به هر حال آن آیات مبارک است و حرمت دارد، ولی قرآن ناطق فرمودند: آن آیات را بزنید. چرا؟ حالا إن شاء الله به مناسبت بحثمان بیان خواهیم کرد.

لذا عزیزان من! اگر می‌خواهید ادراک داشته باشید، به قرآن ناطق متصل شوید. هر کسی هم در زمان خودش، به امام زمان خودش باید متصل باشد که به قرآن ناطق متصل شود. یعنی اگر ما در زمان امام صادق (علیه الصلوة و السلام) بودیم، اتصال به قرآن ناطق برای ما اتصال به ایشان بود. در زمان ما، آقا و مولایی، قرآن ناطق است که امام صادق و ابی‌عبدالله (علیه الصلوة و السلام) فرمودند - به قول آیت‌الله العظمی بهجت: وقتی این دو امام همام فرمودند؛ یعنی تمام ائمّه فرمودند - : «لو ادرکتہ لخدمته مادام حیاتی»، اگر من درکش می‌کردم، تا زنده بودم خادم او می‌شدم.

حرف عجیبی است، من و شما باید خادم پدر و مادر، جدّ و جدّه‌مان باشیم. بنده در کتاب دو گوهر بهشتی، مطالبی را در مورد پدر و مادر بیان کردم که چگونه باید حرمت آن‌ها را نگاه داریم، «کما ربّیانی صغیراً»، مربّی ما هستند و آن‌قدر مهم هستند که فرمودند: اگر کسی بعد از مرگ پدر و مادرش هم سراغشان نرود، عاقّ والدین می‌شود. لذا ما باید حرمت بگذاریم. اما امام صادق است، ابی‌عبدالله است و دیگر ائمّه (علیهم صلوات المصلّین) هستند که می‌فرمایند: اگر ما ایشان را درک می‌کردیم، به تحقیق یعنی یقیناً خادم او می‌شدیم، تا موقعی که زنده بودیم. دیگر بالاتر از این می‌خواهید؟!

حالا من و شما در زمان امامت چنین امامی هستیم، به صورت ظاهر در پرده غیب هستند، گرچه در اصل ما در غیبت هستیم، اما امامت ایشان است. آنچه خوبان همه دارند، تو یک جا داری.

یکی از راه‌های اتصال به آقا جان، این است که هر ساعت، یک دعای سلامتی برای امام زمان (روحی له الفداء و عجل الله تعالی فرجه الشریف) بخوانید. «اللَّهُمَّ كُنْ لَوْلِيَّكَ الْحُجَّةَ بْنَ الْحَسَنِ صَلَواتُكَ عَلَيْهِ وَعَلَى آبَائِهِ فِي هَذِهِ السَّاعَةِ وَفِي كُلِّ سَاعَةٍ وَلِيًّا وَحَافِظًا وَقَائِدًا وَنَاصِرًا وَدَلِيلًا وَعَيْنًا حَتَّى تُسَكِّنَهُ أَرْضَكَ طَوْعًا». تلفن همراه یا ساعت را زنگ بگذارید تا متوجه شوید یک ساعت گذشته و باید دعا بخوانید. شب هم که می‌خواهید بخوابید، برای آن ساعاتی که خواب هستید هم بخوانید. حتی اگر یک موقعی یادتان رفت و یک‌باره دیدید که دو ساعت نخواندید، قضای آن دو را هم بخوانید.

مگر می‌شود انسان هر ساعت یاد وجود نازنین آقا جانمان، مولایی که بیمنه رزق الوری است - یکی از رزق‌ها، رزق معنوی و یادگرفتن تفسیر است - باشد و ایشان عنایت نکنند؟!

لذا آسان‌ترین راه، وجود مقدس آقا جان است. در درس اخلاق هم بارها بیان کردم که یکی دیگر از راه‌های اتصال، این است که شب‌ها قبل از خواب، موقعی که دیگر مسواک می‌زنید، وضو می‌گیرید و می‌خواهید بخوابید، دو، سه دقیقه با امام زمان خلوت کن و حرف بزن، بگو: السلام علیک یا مولای یا بقیة الله. بگو: آقا جان! دستم را بگیر، وضعم خراب است، در این دنیای وانفاسه، در این جلوات دنیا، من را رها نکن و دستم را بگیر. ای قرآن ناطق! من را با قرآن و خودت آشنا کن. قسم بده، بگو: به جان مادرت نرجس خاتون کمک کن.

همان‌طور که شنیدید، من در ابتدای منبرم، همیشه برای حضرت نرجس خاتون فاتحه می‌گیریم. چون رمز دارد، رمزش هم این است: کلید ورود به قلب آقا جان، حضرت حجت؛ حضرت نرجس خاتون است. عجیب اثر دارد.

لذا یک فاتحه برای مادرشان بخوان و بگو: آقا جان! به حقّ مادرت قسمت می‌دهم، دستم را بگیر. محال است که آن موقع حال شما عوض نشود و قطره اشکی نیاید. اگر قطره اشکی بیاید، خیلی مهم است، اشک، اکسیر رحمت الهی است. اگر اشکت جاری شود، دیگر تمام است و اتصال ایجاد می‌شود.

خدا گواه است، اگر کسی، به خصوص جوان، هر شب - منقطع نشود و مانند حلقه‌های زنجیر پیوسته باشد - با آقا جان، امام زمان حرف بزند؛ به یک سال نمی‌کشد خودش مطالبی متوجه می‌شود، حالش عوض می‌شود و وضعش دگرگون می‌شود. امتحان کنید. این صحبت با آقا جان، امام زمان فراموش نشود.

بگو: آقا جان! دست من را بگیر، من را قرآنی کن، من را انسان کن. دستم را بگیر درست شوم و آدم شوم. اگر یک موقعی دیدید اشکتان جاری نشد، بگو: آقا جان! شنیدم دو بانوی دیگر را هم خیلی دوست داری، یکی عمه جانتان، زینب کبری است، یکی هم مادر بزرگوارتان، ام الائمه، حضرت فاطمه زهرا. آقا جان! به حقّ این دو بانو به من عنایت کن. وقتی نام حضرت زینب را می‌آوریم، یاد مدافعان حرم ایشان می‌افتیم. خوش به سعادتشان. بگو: آقا جان! به حقّ عمه جانتان دست ما را بگیر. آن زینبی که وقتی دست حجت خدا بر روی قلبش کشیده شد، طبعاً باید آرام آرام باشد، اما نمی‌دانم چه شد که وقتی بالای آن تل رفت، چه دید که مدام می‌نشست و بلند می‌شد، مدام بر سر و صورت می‌زد که وا محمدا! ... حاج شیخ جعفر شوشتری می‌فرمایند: شاید ناظر بر این مطلب باشد که الشمر جالس علی صدر الحسین ...

«السلام علیک یا ابا عبدالله (علیه الصلوة و السلام)»